



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق علوم سیاسی

پایانه نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق بشر

موضوع:

رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد شکنجه، مجازاتهای ظالمانه و

رفتارهای غیرانسانی و تزدیلی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر مهیار داشاب

استاد مشاور: جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی

نگارنده: مهدی عبدالمالکی

بهمن ۱۳۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

همسر، پدر و مادر مهربانم

تقدیر:

در ابتدای سخن جای دارد مراتب تشکر و ارادت خود را از استاد گرانمایه جناب آقای دکتر داساب اعلام
نمایم که بی دریغ، از آغاز این کار مرادسوزانه یاری رسانند؛
و از استاد معظم جناب آقای دکتر زمانی که صمیمانه مشاورت اینجانب را پذیرفتند؛
و از استاد مغزز سرکار خانم دکتر معتمدنژاد که بی شک داور بی‌اشان مرارانه‌های بزرگی خواهد بود؛
و از تمامی کسانی که بی دریغ مرا برین مهر خویش ساختند به ویژه آقای هادی عبدالماکلی که زحمت تایپ و
ویراستاری این نوشتار را بر عهده داشته‌اند.

فهرست ۶۶

۱	مقدمه
۴	کلیات
۴	(۱) بیان مسئله:
۶	(۲) سوابق تحقیق:
۸	(۳) سؤالات و فرضیه‌های تحقیق:
۸	(۴) روش گرد آوری اطلاعات و داده‌ها:
۹	(۵) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:
۹	(۶) اهداف تحقیق:
۱۰	(۷) تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی:
۱۰	بند اول: مفهوم شکنجه
۱۴	بند دوم: رفتارهای غیر انسانی و تزدیلی
۱۵	بند سوم: مجازات‌های غیر انسانی و تزدیلی
۱۶	بند چهارم: اهمیت و نقش بنیادی رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر
۱۷	(۸) سازماندهی تحقیق:
	بخش اول
۱۹	سازمان شورای اروپا و اقدامات آن در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر
۲۱	فصل اول: بررسی ساختار شورای اروپا و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی
۲۱	گفتار اول: سازمان شورای اروپا (COUNCIL OF EUROPA)
۲۳	مبحث اول: اهداف شورای اروپا
۲۴	بند اول: اهداف کلی
۲۵	بند دوم: اهداف سیاسی
۲۶	مبحث دوم: ساختار شورای اروپا
۲۶	بند اول: کمیته وزرا
۲۷	بند دوم: مجمع پارلمانی
۲۹	بند سوم: دبیر خانه
۳۰	گفتار دوم: کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰
۳۲	مبحث اول: تشریح اجمالی مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
۳۵	بند اول: حقوق قابل تعلیق

۳۶	بند دوم: حقوق غیر قابل تعلیق
۳۸	مبحث دوم: مواد و قواعد عمومی کنوانسیون
۳۹	فصل دوم: ارکان قضایی اروپایی حقوق بشر
۴۰	گفتار اول: ساختار ارکان قضایی اروپایی حقوق بشر قبل از پروتکل شماره ۱۱
۴۰	مبحث اول: کمیسیون اروپایی حقوق بشر
۴۲	مبحث دوم: دیوان اروپایی حقوق بشر (قبل از پروتکل شماره ۱۱)
۴۵	مبحث سوم: دیوان اروپایی حقوق بشر پس از پروتکل شماره ۱۱
۴۶	بند اول: شروط پذیرش شکایات فردی و دولتی در دیوان اروپایی حقوق بشر
۴۹	بند دوم: آیین رسیدگی پس از پذیرش شکایت
۵۰	بند سوم: صدور حکم و اجرای آن
۵۱	گفتار دوم: دیوان اروپایی حقوق بشر در صورت تصویب پروتکل شماره ۱۴
۵۳	نتیجه گیری فصل دوم

بخش دوم

۵۶	بررسی ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی
۶۱	فصل اول: ویژگی های ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
۶۱	گفتار اول: تمایز بین شکنجه، رفتار و مجازات غیرانسانی و ترذیلی
۶۵	گفتار دوم: مطلق بودن یا انحراف ناپذیری شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی و ترذیلی
۶۹	نتیجه گیری فصل اول
۷۰	فصل دوم: بررسی آراء ارکان قضایی اروپایی
۷۰	گفتار اول: شکنجه از منظر ارکان قضایی اروپایی حقوق بشر
۹۲	گفتار دوم: رفتار یا مجازات غیرانسانی از منظر ارکان قضایی اروپایی حقوق بشر
۱۱۱	گفتار سوم: رفتار یا مجازات تحقیرآمیز و ترذیلی از منظر ارکان قضایی اروپایی حقوق بشر
۱۲۲	نتیجه گیری فصل دوم

بخش سوم

۱۲۴	گسترش دامنه تعهدات دولتها به موجب ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی
۱۲۶	فصل اول: گسترش دامنه اجرای ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی به قواعد ماهوی

- گفتار اول : گسترش اجرای ماده ۳ به پرونده‌های تبعید و استرداد ۱۲۷
- گفتار دوم : گسترش دامنه پرونده‌های استرداد و اخراج به پرونده های پزشکی ۱۳۵
- گفتار سوم : تعهد دولتها نسبت به نقض ماده ۳ به واسطه اعمال عوامل و افراد غیردولتی ۱۳۷
- گفتار چهارم : نقض ماده ۳ به واسطه اجرای مجازات‌های قانونی و تعهدات دولتها در قبال آن ۱۴۳
- گفتار پنجم : گسترش دامنه ماده ۳ به تخریب اموال و مایملک افراد ۱۵۵
- نتیجه گیری فصل اول ۱۵۷
- فصل دوم: گسترش دامنه اجرای ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به قواعد آیین دادرسی ۱۵۸**
- گفتار اول: نقض ماده ۳ به واسطه عدم تحقیقات مؤثر از ناحیه دولت ۱۵۹
- گفتار دوم: ارزیابی شواهد و مدارک بر اساس بازدیدهای کمیته پیشگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی و ترذیلی ۱۶۶
- گفتار سوم: محدودیت تعهدات مثبت دولت ها ۱۷۳
- نتیجه گیری فصل دوم ۱۷۷**
- نتیجه گیری تحقیق ۱۷۹**
- ضمائم : (آراء صادره دیوان در زمینه ماده ۳ از سال ۱۹۷۲ تا ژانویه ۲۰۰۸) ۱۸۳
- منابع فارسی ۱۹۹
- الف «کتابهای فارسی: ۱۹۹
- ب «مقالات فارسی: ۲۰۱
- ج « پایان نامه ها: ۲۰۲
- جزوات درسی: ۲۰۲
- منابع انگلیسی: ۲۰۳
- اسناد: ۲۰۵
- آرای مورد استفاده: ۲۰۶
- سایتهای اینترنتی مورد استفاده : ۲۰۸

گامی که در راستای شناسایی مفاهیم حقوق بشر با تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ برداشته شد، به صورت اختصاصی تر چند سال بعد با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان اولین و مهمترین سندی که روند تقنینی سازمان ملل متحد برای تدوین اصول حقوق بشر به شمار می آید؛ تکامل یافت. این تلاشها در سطح جهانی با تصویب چندین معاهده و کنوانسیون دیگر که ممنوعیت شکنجه را به عنوان یکی از اصول خود پذیرفتند؛ ادامه یافت.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه حمایت از همه افراد در برابر شکنجه و سایر اشکال بد رفتاری ۱۹۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون ضد شکنجه، رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و موهن مصوب ۱۹۸۴، نمونه هایی از اهتمام جامعه جهانی برای محو کلیه اشکال بد رفتاری علیه افراد است.

اما این دست اقدامات، محدود به کنوانسیون های جهانی در این زمینه نگردید، بلکه در راستای حمایت گسترده تر از افراد در مقابل اینگونه رفتارها، معاهدات مختلفی در سطح منطقه ای از قبیل اروپا، امریکا و افریقا منعقد گردید که نشان از رویکرد عینی دولتها در تضمین حقوق و آزادیهای افراد تحت صلاحیت آنان است؛ با این وجود با کمال تاسف در گزارشهایی که هر ساله از وضعیت بازداشتها و زندانیان کشورهای مختلف دنیا منتشر می شود؛^۱ نشانه های دردناکی از شکنجه و سایر بد رفتاری ها دیده می شود.

اگر میان حمایت های جهانی و منطقه ای در این زمینه قائل به تفکیک شویم؛ می توان گفت که نظام های منطقه ای حمایت های موثرتری را نسبت به نظام های جهانی فراهم آورده اند. برای نمونه کنوانسیون های منطقه ای در جهت تحقق عملی حقوق مقرر شده، سیستم های نظارتی و قضایی کارایی را ایجاد کرده اند که، در مقایسه با نظام جهانی گامی به پیش است؛ چرا که معاهدات جهانی اکثرا نهادهای نظارتی را پیش بینی کرده اند؛ که فاقد وصف قضایی هستند. این

۱. عفو بین الملل، گزارش سالانه ۲۰۰۷.

ویژگی‌ها را می‌توان در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی^۱ به شکل بارزی مشاهده کرد. از نخستین و مهمترین اسناد جهانی و منطقه‌ای که گام در ممنوعیت شکنجه، رفتار یا مجازات غیر انسانی و ترذیلی برداشته است؛ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی ۱۹۵۰ است. این کنوانسیون در راستای تحقق اهداف شورای اروپا برای برقراری حاکمیت قانون، احترام به حیثیت ذاتی افراد و صلح و امنیت جامعه اروپا به تصویب رسید.

کنوانسیون با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و اینکه هدف شورای اروپا نیل به اتحاد بیشتر میان اعضا است و یکی از روش‌هایی که به وسیله آن، این هدف را تعقیب کرد حفظ و توسعه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است در ماده ۳ با این عبارت «هیچ‌کس نباید موضوع شکنجه، رفتار یا مجازات غیر انسانی و ترذیلی قرار گیرد» شکنجه را ممنوع اعلام می‌کند. اگرچه ممنوعیت مقرر در این کنوانسیون در قالبی کلی و بدون ارائه ویژگی تعریعی خاصی است اما، ارکان قضایی کنوانسیون در برخورد با قضایای مطرح شده در زمینه ارتکاب این گونه اعمال با تبیین و تحلیل ماده ۳ کنوانسیون در خصوص ممنوعیت شکنجه رفتار یا مجازات غیر انسانی و ترذیلی رویه قضایی را ایجاد کرده اند؛ که فارغ از تعهدات اولیه دولتها بر اساس کنوانسیون تعهداتی فراتر از آن را در قالب تعهداتی مثبت برای دولتهای عضو ایجاد کرده است.

ارکان قضایی اروپایی با توجه به ماهیت حمایتی مقررات و قواعد حقوق بشری سعی در گسترش دامنه اجرای ماده ۳ و برقراری حمایتی بسیار وسیع‌تر از آنچه در این ماده مقرر شده است؛ برآمده‌اند به هر حال نقش ساز و کار نظارتی کنوانسیون در تحقق اهداف حمایت موثر و عینی از حقوق و آزادیهای اساسی افراد به منظور حفظ تمامیت جسمی و روحی آنها و احترام به کرامت آنان را نمی‌توان نادیده انگاشت. انسان ذاتا موجود ارزشمندی است و احترام به حیثیت و حفظ تمامیت جسمی و روحی او از مهمترین نکاتی است که، دیوان اروپایی و کمیسیون اروپایی

۱. از این به بعد به عنوان کنوانسیون نامیده می‌شود.

حقوق بشر بر آن تاکید کرده اند؛ چنانکه دیوان این حق را حق چهارم برقرار شده به موجب ماده ۳ کنوانسیون اروپایی می‌دانند.

این نوع از تفاسیر و حمایتها حاصل جمع انعطاف پذیری و تفسیر موسع کنوانسیون توسط دیوان است؛ که این نگارش در صدد بیان مواضع دیوان در قبال مفاهیم مندرج در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی است.

(۱) بیان مسئله:

شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی و ترذیلی همواره در طول تاریخ به عنوان ابزاری در جهت ارعاب مردمان مورد استفاده بوده و با کمی اغماض می‌توان گفت که به صورت کاملاً قانونی در تمامی جوامع به نحو گسترده‌ای وجود داشته است. اما اندک اندک با رشد جوامع بشری و لزوم رعایت حقوق فردی افراد و شناسایی حرمت ذاتی انسان‌ها، تلاش‌هایی در جهت تقبیح و منع این اعمال صورت پذیرفت، به گونه‌ای که امروزه منع شکنجه و سایر سوء رفتارها قاعده‌ای قراردادی و یکی از حقوق غیرقابل انحراف، حتی در شرایط اضطراری محسوب می‌شود.^۱

امروزه منع شکنجه به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری، بنیادین به این دلیل که شکنجه مستقیماً با شخصیت انسان‌ها مرتبط بوده و هدف اولیه آن نیز شخص انسانی است، بسیار مورد توجه می‌باشد، چنان‌که تلاش‌های صورت گرفته برای منع شکنجه چه در سطح جهانی و چه منطقه‌ای گویای این مطلب است.^۲ برخی شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی و ترذیلی، را مجموعاً جزو حقوق بنیادین مطلق می‌دانند و معتقد به آمره بودن منع این اعمال هستند.

اما به هر حال نقطه آغاز ممنوعیت و تلاش برای منع این اعمال از سوی جوامع اروپایی ابتدا با وضع قوانین داخلی و سپس با رشد و یکپارچگی این جوامع و خصوصاً بعد از جنگ دوم جهانی و در سطحی گسترده‌تر با انعقاد معاهدات چند جانبه، و به ویژه انعقاد کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در سال

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی ۱۹۵۰. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ و کنوانسیون منع شکنجه و سایر اشکال رفتارها و مجازاتهای غیر انسانی، ظالمانه و تحقیر آمیز ۱۹۸۴.

۲. منع شکنجه به صورت جدی از سال ۱۹۷۲ در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفت که نهایتاً منجر به تصویب کنوانسیون منع شکنجه و سایر اشکال رفتارها و مجازاتهای غیر انسانی، ظالمانه و تحقیر آمیز ۱۹۸۴ گردید.

۱۹۵۰ صورت پذیرفت. اگر چه قبل از انعقاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی تلاش‌هایی در سطح جهانی در خصوص منع شکنجه و سایر اعمال مذکور با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و کنوانسیونهای ۴ گانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ که در زمینه حقوق بشر دوستانه لازم‌الرعایه است؛ صورت گرفته بود اما، در سطح منطقه‌ای، تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اوج این تلاش‌ها و کوشش‌ها قلمداد می‌شود.

اما هم‌چنان که می‌دانیم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۳ خود، تنها به ممنوعیت شکنجه، مجازات یا رفتار غیرانسانی و تزدیلی اشاره نموده و به مانند یک قانون اساسی به ذکر جزئیات و مصادیق این اعمال پرداخته است. بدین لحاظ عمده بار تبیین و تفسیر این ماده و روشن ساختن مصادیق آن بر عهده ساز و کار قضایی پیش‌بینی شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار گرفته است.

شکنجه، مجازات یا رفتار غیرانسانی و تزدیلی سه عنوانی هستند که در تمامی متون حقوق بشری عموماً در کنار یکدیگر به کار می‌روند. دلیل آن هم نزدیکی و شباهت بسیار زیاد این اعمال است. این سه موضوع تنها از چند جهت متفاوت بوده اما عناصر اساسی آنها عموماً یکی است. تفاوت شکنجه، مجازات، رفتار غیرانسانی و تزدیلی عمدتاً به لحاظ شدت و ضعف صدمات وارده به شخص می‌باشد. به گونه‌ای که مجازات یا رفتارهای غیرانسانی و تزدیلی از مصادیق و نوع خفیف شکنجه محسوب می‌شوند.

ذکر مصادیق و جزئیات یک مسأله و منحصر نمودن آن، همواره مانع از تفسیر موسع و گسترده از آن موضوع و دلیل مناسبی برای نقض حقوق افراد خواهد بود. از این رو ارکان قضایی اروپایی حقوق بشر^۱ به عنوان مرجع تفسیر و ناظر بر اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در طول حیات خود، با تفاسیری موسع و متین این اعمال را به مقتضای زمان، تبیین کاملی از مفاهیم و مصادیق شکنجه، مجازات یا رفتار غیرانسانی و تزدیلی به عمل آورده است؛

۱. استفاده از عبارت «ارکان قضایی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی» برای بیان نقش کمیسیون اروپایی حقوق بشر و دیوان اروپایی است. چرا که رکن قضایی کنوانسیون تنها دیوان اروپایی است و کمیسیون فاقد نقش قضایی بود. اما به دلیل اینکه تفکیک این دو از یکدیگر مشکل می‌نمود در طول تحقیق از این عبارت استفاده می‌شود.

چنان که در برخی مواقع مفاد ماده ۳ کنوانسیون را به روابط بین شهروندان نیز گسترش داده تا جایی که تنبیه دانش‌آموزان را نیز در طبقه مصادیق ماده ۳ کنوانسیون می‌داند.

ارکان قضایی کنوانسیون در رویه و آرای خود به دلیلی کلی بودن مفاد ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر همواره تعهداتی را فراتر از مقررات کنوانسیون برای کشورهای عضو ایجاد نموده‌اند؛ که به موجب آن دولت‌ها ملزم و متعهد به رعایت موارد تفسیری دیوان فراتر از آنچه در کنوانسیون تعهد نموده‌اند؛ می‌باشند. شایان ذکر است؛ در این گفتار منظور از رویه قضایی بررسی مجموع آرای صادره توسط دیوان اروپایی حقوق بشر می‌باشد و نه رویه قضایی به معنای اخص که اتفاق نظر و اتحاد در باب یک مسأله در رویه دادگاه‌هاست.

دیوان و کمیسیون^۱ اروپایی حقوق بشر به عنوان ساز و کار کنوانسیون اروپایی ۱۹۵۰ صحیحاً در آرای خود قواعد کلی موجود در کنوانسیون در باب شکنجه، مجازات یا رفتار غیرانسانی و ترذیلی را با توسعه و بسط و تفسیر مواد، به درستی با واقعیت‌های خارجی و نیازهای جامعه منطبق نموده است.

۲) سوابق تحقیق:

همواره سوابق یک تحقیق می‌تواند مرجع مناسبی برای ارائه تحقیقی شایسته باشد. چرا که تحقیقات انجام شده هر کدام از زاویه‌ای خاص به موضوع پرداخته‌اند و این خود می‌تواند مانع از انجام تحقیقات تکراری باشد. در خصوص سوابق موجود در زمینه تحقیق حاضر در منابع داخلی (فارسی) به صورت پراکنده، مختصر مطالبی راجع به ماهیت شکنجه وجود دارد. که البته حوزه مباحث آنها نیز اکثراً تبیین معاهده ۱۹۸۴ منع شکنجه می‌باشد و می‌توان گفت به صورت اختصاصی متنی در خصوص رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر وجود ندارد؛ اما سه نمونه پایان نامه در زمینه مفهوم شکنجه به خصوص با رویکرد کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ وجود دارد که قابل اشاره

۱. بعد از الحاق پروتکل شماره ۱۱ در زمینه اصلاح ساختار ارکان نظارتی کنوانسیون در سال ۱۹۹۴ و بعد از لازم الاجرا شدن آن در سال ۱۹۹۸ کمیسیون از نظام نظارتی کنوانسیون حذف گردید.

است:

- "بررسی مفهوم شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه و تطبیق با نظام حقوقی ایران"، زهرا جعفری، دانشگاه علامه

طباطبایی، بهمن ۱۳۸۵

این پایان نامه یکی از بهترین منابع موجود در این زمینه است که در تطبیق با حقوق ایران مفاهیم ماهوی شکنجه را مورد بررسی قرار داده است.

- "ممنوعیت شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای ظالمانه، غیر انسانی و تزدیلی"، مهدی نیک نفس، دانشگاه

آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، سال ۱۳۸۲

- "بررسی تطبیقی منع شکنجه و هتک حرمت و حیثیت در کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازاتهای

بی رحمانه، غیر انسانی و موهن و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، علی محمد فلاح زاده، دانشگاه شهید

بهشتی، سال ۱۳۸۵

در چند کتاب خارجی مشاهده شده نیز تنها بخشی کوتاه و مختصر به موضوع شکنجه در دیوان اروپایی حقوق

بشر اشاره شده است که، برای نمونه سه مورد از آنها ذکر می‌گردد:

Mark Janis, Richard Key and Anthony Bradley, "European Human Rights

Law", Oxford, Second edition,

این کتاب در صفحات ۹۳ الی ۱۳۷ با بررسی چند مورد از پرونده های ارکان قضایی اروپایی به صورت کوتاه به

تحلیل برخی از آرا پرداخته است.

Fransis G. Jacobs and Robin C.A. White. "The European Convention on Human

Rights", Oxford, forth edition

P. Van Dijk and G.J.H Van Hoof, "Theory and Protection of the European Convention on

Human Rights".

هر یک از کتابها با تحلیل قسمتی از آراء دیوان سهم مختصری در تبیین این آرا داشته اند؛ اما، هیچکدام جامع و

مانع این موضوع نبوده‌اند. در تحقیق پیش رو سعی شده است با تبیین کامل آراء دیوان در تمامی بخشهایی که احساس شده است؛ دامنه اجرای ماده ۳ براساس تبیین ارکان اروپایی بدان رسیده، تحقیقی کامل و در خور ارائه شود.

۳) سؤالات و فرضیه‌های تحقیق:

- سؤال اصلی تحقیق: آیا دیوان اروپایی حقوق بشر با رویه قضایی خود حمایت گسترده تری نسبت به ماده ۳

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای افراد قایل شده است؟

- سؤال فرعی تحقیق: آیا رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر با تفسیر ماده ۳ کنوانسیون تعهدات مثبتی

(تعهداتی جدید) در زمینه شکنجه، مجازاتهای یا رفتارهای غیرانسانی و ترذیلی برای دول عضو کنوانسیون ایجاد

نموده است؟

- فرضیه اصلی: دیوان اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی با تفسیر موسع خود از ماده ۳ کنوانسیون حمایت

بسیار گسترده تری را نسبت به ماده ۳ کنوانسیون در مورد حقوق افراد به عمل آورده است.

- فرضیه فرعی: دیوان اروپایی حقوق بشر در آراء صادره متعدد، تعهدات مثبت بسیاری را برای دول عضو

کنوانسیون در زمینه شکنجه، مجازاتهای یا رفتارهای غیر انسانی و ترذیلی ایجاد کرده است.

۴) روش گرد آوری اطلاعات و داده‌ها:

به لحاظ نظری بودن این تحقیق و نوع روش تحقیق انتخابی (توصیفی حقوقی) روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

کتابخانه ای بوده و در تکمیل تحقیق، بیشتر از منابع اینترنتی استفاده شده است. چرا که کمتر کتابی در ایران وجود

دارد؛ که آرا صادره دیوان اروپایی حقوق بشر را مورد بررسی قرار داده باشد؛ بدین لحاظ پایگاه اینترنتی دیوان

اروپایی حقوق بشر^۱ بهترین منبع برای گرد آوری مطالب مورد استفاده در تحقیق حاضر بوده است. می‌توان گفت

1. www.echr.coe.int/echr.

روش گرد آوری مطالب به نوعی عملی نیز بوده است چرا که برای دسترسی به برخی از آراء دیوان مکاتباتی نیز با دبیرخانه شورای اروپا صورت گرفت تا در صورت امکان دسترسی به آراء مورد نیاز فراهم گردد.

۵) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

با توجه به اینکه هدف این تحقیق تبیین و تجزیه و تحلیل آراء دیوان اروپایی است؛ نیاز است که ابتدا توصیف مختصری از آراء بدست داده شود و سپس با توجه به موضوع مورد بحث، داده‌ها براساس نظرات دیوان و اصول حقوقی موجود تحلیل گردد؛ به همین دلیل در اینجا روش توصیفی همراه با تحلیل انتخاب شده است (توصیفی - تحلیلی) که، برای پاسخ به سوال اصلی و فرعی و اثبات فرضیه‌های طرح شده ضمن معرفی رای، استدلال‌ات دیوان و دولت‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۶) اهداف تحقیق:

عمده دلیل نگارش این تحقیق توجهی است که امروزه از سوی دولت‌ها به موضوع شکنجه، مجازت‌های ظالمانه، رفتارهای غیرانسانی و ترذیلی صورت گرفته، توجهی که این اعمال را در زمره قواعد آمره و حقوق غیرقابل انحراف حتی در شرایط غیر عادی قرار داده است.

توجهی که مجازات اعدام به انحاء مختلف را از جمله مصادیق شکنجه می‌داند، توجهی که شکنجه را از مصادیق جنایات علیه بشریت می‌داند و یا در بیش از دو سوم قوانین اساسی کشورها موجبات منع شکنجه را فراهم آورده است. اما چرا شورای اروپا و دیوان اروپایی حقوق بشر برای موضوع تحقیق انتخاب گردیده؛ به این دلیل است که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مهمترین سند منطقه‌ای حقوق بشری است که، الگوی بسیاری از متون دیگر حقوق بشری قرار گرفته و ساز و کار آن نیز به عنوان یکی از کاراترین نهادهای حقوق بشری، تلاشهای زیادی را در راستای به اجرا درآوردن ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی انجام داده است؛ تا حداقل در سطح قاره اروپا حتی کوچکترین مصادیق شکنجه، مجازات‌ها یا رفتارهای غیرانسانی و ترذیلی را مشخص و برای ممنوع نمودن آن اقدام نماید.

ضمن این که درست است که این نهاد یک ساز و کار منطقه‌ای است اما، مطالعه آراء، نظریات و تفاسیر و در مجموع رویه قضایی دیوان در خصوص یکی از مسایل مهم و مبتلا به حقوق بشری می‌تواند بسیار راه گشا باشد. دلیل دیگر انتخاب این موضوع فقدان یک تحقیق جامع از اقدامات عملی صورت گرفته برای ممنوعیت این اعمال به واسطه قضایا و پرونده های مطرح شده در این زمینه، در کشور ماست. هدف دیگر این تحقیق آشنایی با تلاشهایی است که در سطح منطقه اروپا به ویژه در سطح سازمان شورای اروپا برای ممنوعیت شکنجه رفتار یا مجازات غیر انسانی و ترذیلی انجام شده است.

۷) تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی:

بند اول: مفهوم شکنجه

«بسیاری از موارد نقض کرامت بشری زمانی رخ می‌دهد که اغلب مردم در معرض آسیب قرار دارند و به اصطلاح آسیب‌پذیر هستند. افراد هنگامی آسیب‌پذیر می‌شوند که در چارچوب قدرت مشروع دولت (اجبار) در یک برهه خاص قرار بگیرند یعنی در جایی که افراد بازداشت می‌شوند؛ یا این که توسط مقامات دولتی دستگیر می‌شوند. لذا راه چاره در این دوران حساس و بحرانی برای تضمین و تأمین کرامت بشری این است که از محدوده استانداردهای مشروع و قانونی که برای افراد به هنگام بازداشت و نگهداری در محل بازداشت مقرر شده است؛ تجاوز ننماییم.»^۱

شکنجه یکی از مذموم‌ترین و پلیدترین رفتارهایی است که ممکن است علیه انسانی دیگر به مورد اجرا گذاشته شود. شکنجه به تنهایی و به طور مستقیم بنیادی‌ترین حقوق انسانی را مورد تعرض و نقض قرار می‌دهد، چنان‌که گفته شد آسیب‌پذیری افراد در برابر دولت قدرتمند باعث می‌شود که شکنجه در بین تمام رفتارهایی که هر یک به نوعی ناقض حقوق انسانی است، منحصر به فرد باشد. بر اثر شکنجه، حق حیات، حق تمامیت جسمی و روحی،

۱. ملکم ایوانس، نقش دادستان در دادرسی عادلانه سازو کارهای مبارزه با شکتجه، روزنامه اعتماد ملی، شنبه ۷ مرداد ۱۳۸۵، ص ۶.

حق کرامت انسانی، حق آزادی، حق حرمت حیثیت، حق امنیت، حق آزادی عقیده و حتی حقوقی از قبیل برخورداری از غذای مناسب، حق برخورداری از بهداشت مناسب به اشکال و صورت‌های مختلف به طور کلی یا جزئی از فرد سلب می‌شود. در فرایند شکنجه یک موجود انسانی در تنهایی و ناتوانی در برابر انسان یا انسان‌هایی دیگر با یک تشکیلات بزرگ، تحت اشکال مختلف رفتارهای خشونت‌آمیز غیرقانونی و نامشروع قرار می‌گیرد تا در نهایت شکنجه‌گر به اهداف خود برسد.

با این همه به نظر می‌رسد که ارائه تعریفی دقیق از شکنجه سهل و ممتنع است. سهل است از آن جهت که روح و فطرت آدمی، آنگاه که رفتار ناروایی با او صورت می‌گیرد، می‌تواند، درست را از نادرست تشخیص دهد، چنان‌که در شکنجه انسان، بنا به فطرت خویش می‌تواند دریابد که در کجا و چگونه اذیت و آزار ناروایی علیه کسی اتفاق می‌افتد. و آنجا که شخص مورد انواع ضرب و شتم جسمی قرار می‌گیرد به راحتی می‌توان شکنجه را دریافت. البته چنان‌که در مباحث آینده گفته خواهد شد، یکی از عناصر تشکیل دهنده شکنجه، وجود دخالت دولت حال به صورت مستقیم یا غیرمستقیم است در غیر این نحو شکنجه محقق نخواهد شد و عنوانی غیر از آن خواهد داشت.^۱ اما ممتنع است از آن رو که روش‌های جدید، با سوء استفاده از پیشرفت‌های علمی، بی‌آن‌که جسم فرد را مستقیماً هدف قرار دهند، روح و روان او را نشانه می‌گیرد. شاید به همین دلیل است که در اکثر کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای تعریفی از شکنجه، رفتار و مجازات غیر انسانی و ترذیلی ارائه نشده است. در اکثر فرهنگ‌های لغت، شکنجه به معنای ایذاء سیاست، تعذیب، آزار، اذیت و عقوبت آمده است و شکنجه کردن و شکنجه دادن یعنی آزار و اذیت و سیاست کردن به منظور کسب اقرار.^۲

اما در مفهومی حقوقی و معنایی گسترده، چنان‌که بیان شد، اکثر معاهدات از بیان تعریف شکنجه سکت هستند، جز معدودی از آنها مانند: کنوانسیون مربوط به منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر

۱. نگاه کنید، محمد علی اردبیلی، مقاله شکنجه، برگرفته از سایت: www.dadgostary.com، ص ۶.

۲. ر.ک، سید علی موسوی، شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا، چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۸۰.

این کنوانسیون که جامع‌ترین^۲ مقررات را در زمینه منع شکنجه و سایر اشکال غیرانسانی و ترذیلی دارد، در ماده یک مقرر می‌دارد که: «واژه شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عمداً درد یا رنج‌هایی جانکاه جسمی یا روحی را به شخص وارد آورد. خلاصه به قصد این‌که از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی گرفته شود یا به اتهام عملی که این شخص یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب است تنبیه گردد تا این شخص یا شخص ثالث مرعوب یا مجبور شود و یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد، منوط بر این‌که چنین درد و رنج‌هایی به دست کارگزار دولت یا هر شخص دیگری که در سمت رسمی مأمور دولت بوده است یا به ترغیب یا با رضای صریح یا ضمنی او تحمیل شده باشد. این واژه درد و رنج‌هایی را که منحصرأ از اجرای مجازات‌های قانونی حاصل می‌شود و ذاتی یا مسبب چنین مجازات‌هایی است را در بر نمی‌گیرد.»^۳

در این زمینه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸^۴ و میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶^۵ ساکت است^۶ و تنها به موضوع ممنوعیت این اعمال، اشاره نموده‌اند. اما کمیته حقوق بشر که ساز و کار نظارتی میثاق حقوق مدنی و سیاسی است، در تفاسیر عمومی خود از ماده ۷ میثاق بیان می‌کند که: «ممنوعیت مقرر در ماده ۷ نه تنها اعمالی که سبب ایجاد درد و رنج جسمی می‌شوند، بلکه اعمالی نیز که درد و رنج روانی قربانی را در پی دارد شامل می‌شود. از نظر کمیته، ممنوعیت این ماده با مجازات اعدام، تنبیه بدنی مقرر شده به عنوان مجازات برای یک جرم و همچنین تنبیه آموزشی و تنبیه برای برقراری نظم را نیز شامل خواهد شد.»^۷ دیگر منبعی که شکنجه را تعریف

۱. از این به بعد کنوانسیون منع شکنجه خوانده می‌شود.

۲. همان، ص ۸۰.

۳. به نقل از، محمد علی اردبیلی، همان، ص ۳.

۴. روزی که اینک در سراسر جهان به عنوان روز بین‌المللی حقوق بشر گرامی داشته می‌شود.

۵. از این به بعد میثاق حقوق مدنی و سیاسی خوانده می‌شود.

۶. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۸ و ۹.

۷. بند ۵ تفسیر عمومی شماره ۲ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۱۹۹۲/۳/۱۰.

کرده است، اعلامیه حمایت از همه افراد در برابر شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تزدیلی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل ۱۹۷۵ است، بند یک ماده یک این اعلامیه «هرگونه عملی که به موجب آن درد و رنج جانکاه جسمی و روحی به طور عمدی به وسیله یا بر اثر تحریک مأمورین دولتی به هدف کسب اطلاعات یا اخذ اقرار و یا برای ارتکاب یک عمل و یا به علت مظنون بودن فرد به ارتکاب آن عمل و یا ترساندن او یا اشخاص دیگر بر روی آن شخص یا شخص دیگری اعمال شود. این شامل درد و رنجی که فقط متناسب با مجازات قانونی و یا نتیجه حاصله از آن مجازات تا حدی که منطبق با حداقل اصول استاندارد رفتار با زندانیان باشد؛ نمی‌شود.»^۱

چنانکه اشاره شد برخی از معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله کنوانسیون امریکایی پیشگیری و مجازات شکنجه ۱۹۸۵، نیز این اعمال را تعریف کرده‌اند اما، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، هیچ ویژگی تعریفی را برای شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی و تزدیلی مشخص نکرده است؛ که در نتیجه یک رویه قضایی پیچیده و در عین حال گسترده از ارکان قضایی حقوق بشر اروپایی، از جمله کمیسیون اروپایی حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر که ساز و کار کنوانسیون ۱۹۵۰ است به منظور تعیین جهات مختلف این گونه اعمال شکل گرفته است. نکته‌ای که در این میان قابل ذکر است این‌که، در تمامی اسناد حقوق بشر، عمل شکنجه، رفتار غیرانسانی و تزدیلی و مجازات غیرانسانی سه واژه و فعلی هستند که در کنار هم قرار گرفته‌اند. این نزدیکی معنایی، همواره نیازمند مبنایی برای تفکیک و جداسازی آنها از یکدیگر است که در آراء دیوان اروپایی حقوق بشر، این مبنا میزان شدت حاصله از فعل ارتكابی است. به عبارت دیگر سطح آستانه شدت معیار تمیز این اعمال از یکدیگر است

۱. به نقل از سید علی موسوی، همان، ص ۶۴؛

محمد علی اردبیلی، همان، ص ۳؛

جفری رابرتسون، جنایت علیه بشریت، گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی،

۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۳۲۲.